



دوزبانه

# شعر اسپانیا

## از آغاز تا امروز

اِثوخنِیو فلوریت

ترجمه‌ی لیلا مینایی



شیر  
فنجان

تهران  
۱۳۹۶

عنوان و نام پدیدآور	شعر اسپانیا: از آغاز تا امروز/ [گردآورنده] ائوخنویو فلوریت؛ ترجمه‌ی لیلا مینای.
مشخصات نشر	تهران: نشر فتنجان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۳۸ ص: مصور؛ ۲۵/۵×۱۳/۵ س.م.
فروست	علوم انسانی. شعر اسپانیایی.
شابک	۹۷۸-۶۰۵-۹۴۹۱۲-۶-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا.
یادداشت	فارسی-اسپانیایی.
یادداشت	واژه‌نامه
یادداشت	نمایه.
یادداشت (عنوان اصلی)	<i>Introduction to Spanish Poetry</i> , 1991.
موضوع	شعر اسپانیایی — ترجمه‌شده به فارسی.
موضوع	Spanish poetry — Translations into Persian.
موضوع	شعر فارسی — ترجمه‌شده از اسپانیایی.
موضوع	Persian poetry — Translations from Spanish.
موضوع	شاعران اسپانیایی — سرگذشت‌نامه.
موضوع	Poets, Spanish — Biography.
موضوع	شعر اسپانیایی.
موضوع	Spanish poetry.
موضوع	شعر اسپانیایی — تاریخ و نقد.
موضوع	Spanish poetry — History and criticism.
شناسه‌ی افزوده	فلوریت، ائوخنویو، ۱۹۰۳-۱۹۹۹ م.، گردآورنده. Florit, Eugenio
شناسه‌ی افزوده	مینای، لیلا، ۱۳۶۴- ، مترجم.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ لش/۶۱۷۶ PQ
رده‌بندی دیویی	۸۶۱/۰۰۸
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی	۴۵۲۳۴۱۱

این کتاب ترجمه‌ای است از

*Introduction to Spanish Poetry* (1965)

Edited by Eugenio Florit

New York: Dover Publications Inc.

گرددآورنده و نویسنده	اِئوِخِنیوِ فلوریت
مترجم	لیلا مینایی
طراح جلد	حسن کریم‌زاده
تصویر جلد	گاوبازی، پابلو پیکاسو
پالایش تصاویر	رامین مجید
ناظر فنی	انوشه صادقی‌آزاد
ناظر چاپ	علی سجودی
نوبت چاپ	اول، بهار ۱۳۹۶
چاپ	شادرنگ
تیراژ	۱۰۰۰ نسخه
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۴۹۱۲-۶-۱

تمام حقوق این اثر متعلق به نشر فنجان است و هرگونه استفاده از عناصر صوری و محتوایی آن، کلاً و جزئاً، به هر زبانی و به هر شکلی بدون اجازه‌ی کتبی ناشر ممنوع است.



نشر  
فنجان

تهران، صندوق پستی ۵۳۴۴-۱۴۱۵۵ تلفن ۰۹۱۹۸۰۰۱۰۰۵  
fenjanbooks@gmail.com

## فهرست

تقدیم‌نامه	سیزده
پیش‌گفتار مترجم	پانزده
شعر اسپانیا: از آغاز تا امروز	
مقدمه	۳
سرود سید	۸
سرود سید: سرود نخست (گزیده)	۱۰
دیگو اورتادو دِ مندوسا	۱۴
کوسانته	۱۶
خوان روئیس، کشیش اعظم ایتا	۲۰
کتاب عشق نیکو: سرودی در ستایشِ مریم مقدس (گزیده)	۲۲
مارکس دِ سانتیانا	۲۴
سِرَانیَا	۲۶
خورخه مانریکه	۳۲
دو ترانه	۳۴
بالاد	۳۸
ابن عمّار	۴۰
کنت آرنالدوس	۴۶

۵۰	گارسیلاسو دِ لا پِگا
۵۲	غزل‌واره‌ی ۵
۵۴	غزل‌واره‌ی ۱۰
۵۶	گوتیرره دِ ستینا
۵۸	مادریگال
۶۰	فرای لوئیس دِ لئون
۶۲	چکامه‌ای برای فرانسیسکو سالیناس
۶۸	سان خوان دِ لا کروس
۷۰	شبِ ظلمانی روح
۷۶	لوئیس دِ گونگورا ای آرگوته
۷۸	رمانسیو
۸۲	مادریگال
۸۶	لویه دِ پِگا
۸۸	عارضه‌های عشق
۹۰	غزل‌واره‌ی ۱۸
۹۲	فرانسیسکو دِ کودو ای بیگاس
۹۴	برای یک دماغ
۹۸	غزل‌واره‌ای برای لیبسی
۱۰۰	خوسه دِ اسپروئسیدا
۱۰۲	برای یک ستاره (گزیده)
۱۰۶	گوستاوو آدولفو پِکر
۱۰۸	شعر ۱
۱۱۰	شعر ۱۰
۱۱۲	شعر ۶۶
۱۱۴	روسالیا کاسترو
۱۱۶	ناقوس
۱۲۰	میگل دِ اونامونو
۱۲۲	کاستیل
۱۲۶	آنتونیو ماچادو

۱۲۸	رؤیا می باقم و جاده‌ها را می پیمایم
۱۳۲	خوآن رامون خیمینس
۱۳۴	بهارِ زرد
۱۳۸	لئون فلیپه
۱۴۰	مانندِ تو
۱۴۴	پدرو سالیناس
۱۴۶	مرگ‌ها
۱۵۰	خورخه گین
۱۵۲	نام‌ها
۱۵۶	فدریکو گارسیا لورکا
۱۵۸	ترانه‌ی ماه، ماه
۱۶۴	داماسو آلونسو
۱۶۶	ستاره‌شمارها
۱۷۰	امیلیو پرادوس
۱۷۲	لوح یاد: نوستالژی
۱۷۴	بیستنته آلکساندره
۱۷۶	مهمان
۱۸۰	رافائل آلبرتی
۱۸۲	فرشته‌ی خوب
۱۸۶	لوئیس سرنودا
۱۸۸	آن‌جا که نسیان خانه دارد
۱۹۲	میگل ارناندس
۱۹۴	قطارِ زخمی‌ها
۲۰۱	اصطلاح‌نامه
۲۰۵	نام‌نامه

## پیش‌گفتار مترجم

تحولات فرهنگی هر سرزمین نخست در شعر بازتاب می‌یابد و شعر هر کشور همپای دگرگونی‌های تاریخی و اجتماعی رشد می‌کند و پیش می‌رود. قرن یازدهم نقطه‌ی آغاز شعر اسپانیاست. نخستین اشعار مکتوب به زبان اسپانیایی در این زمان تولد می‌یابند، یعنی تقریباً در اواسط دوران تسلط مسلمانان بر اسپانیا (از قرن هشتم تا پانزدهم). در این دوران، جدا از تأثیرات فرهنگ اسلامی که در هنر و معماری شهرهای مختلف اسپانیا مشهود است، ادبیات اسپانیا از غنای زبان عربی تأثیر می‌پذیرد و نوآوری‌هایی در شعر می‌یابد. در قرن پانزدهم، بارقه‌های رنسانس به اسپانیا می‌رسد، آثار ادبی بسیاری از ایتالیایی ترجمه می‌شود و آفرینش آثار ادبی فزونی می‌گیرد. شعر اسپانیا در این زمان وارد درخشان‌ترین عصر خود می‌شود و در قرن شانزدهم که آغاز «عصر طلایی» شعر اسپانیاست، لویه دِ پِگا کشورش را به اوج عظمت خود در شعر می‌رساند. شعر اسپانیا در میانه‌ی قرن هفدهم رفته‌رفته در سرایشب انحطاط می‌افتد و حالتی متکلف و مصنوع می‌یابد. در قرن هجدهم، کاربرد عناصر خیال رنگ می‌بازد و بر جنبه‌های روایی و طنزآمیز و تعلیمی شعر تأکید می‌شود. اما ظهور نهضت رمانتیسیم در قرن نوزدهم، شوری تازه به جان خسته‌ی شعر این سرزمین می‌دمد و نهایتاً با شروع جنبش‌های ادبی نوگرای قرن بیستم، شعر اسپانیا به عصر طلایی جدیدی قدم می‌گذارد.

پرداختن به ادبیات اسپانیا و بالأخص شعر آن از موضوعاتی است که در کشور ما مهجور مانده است. از شاعران اسپانیا شاید بیش از همه، فدريكو گارسيا لورکا این



بخت را یافته است که ترجمه‌های برخی اشعارش، آن هم بیش‌تر به واسطه‌ی زبانی دیگر، در ایران خوانده شود. تلاش پروفیسور ائوخنو فلوریت در این کتاب تا حد زیادی راه ما را برای آشنایی با شعر اسپانیا هموار می‌کند. او در این کتاب، که اثری کلاسیک در این حوزه به شمار می‌آید، پس از مقدمه‌ای جامع، با انتخاب سنجیده‌ی ۳۷ شعر از بزرگ‌ترین شاعران اسپانیا، هم سیر حیات شعری اسپانیا را ترسیم می‌کند و هم نمایی نسبتاً جامع از صور خیال و بینش و فرزنگی این شاعران بزرگ پیش روی ما قرار می‌دهد. فلوریت که منتقدی مطرح و شاعری صاحب‌سبک در ادبیات اسپانیایی‌زبان است و بر تاریخ ادبیات اسپانیا تسلط دارد، علاوه بر گزینش شایسته‌ی شعرها، گنجینه‌ای از سرگذشت‌ها و نقدهای ادبی در اختیار ما می‌نهد که تا حد مطلوبی معرف هر شاعر و بازتاب‌دهنده‌ی اهمیت آثارش در عصر اوست. از طرف دیگر، دوستی نزدیک فلوریت با برخی شاعران مطرح قرن بیستم (کسانی چون خوان رامون خیمنس، خورخه گین، لوئیس سِرِنودا و پدرو سالیناس) در ارائه‌ی تصویری واقع‌گرایانه‌تر از این شاعران و شعر زمان‌شان بی‌تأثیر نیست.

ائوخنو فلوریت، نویسنده و گردآورنده‌ی کتاب، در پانزدهم اکتبر ۱۹۰۳ از پدری اسپانیایی و مادری کوبایی در مادرید زاده شد. کودکی‌اش را در سالامانکا و بارسلونا گذراند و در نوجوانی به همراه خانواده به کوبا رفت. در دانشگاه‌هاوانا حقوق خواند و همزمان به فعالیت ادبی در نشریه‌های ادبی پرداخت. نخستین مجموعه شعرش سی‌ودو شعر کوتاه (۱۹۲۷) نام داشت. در ۱۹۳۰ مجموعه شعر گرمسیر را به دست چاپ سپرد که با استقبال روبه‌رو شد. در ۱۹۳۶ با خوان رامون خیمنس، شاعر شهیر اسپانیایی که بعدها برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ۱۹۵۶ شد، ملاقات کرد که به دوستی نزدیک میان آن دو منجر شد. خیمنس در ۱۹۳۷ مقدمه‌ی یکی از آثار مهم فلوریت، یعنی دو لهجه، را نوشت. قلمرو در ۱۹۳۸ و چهار شعر در ۱۹۴۰ چاپ شدند و آخرین آثاری بودند که او در کوبا منتشر کرد.

فلوریت در ۱۹۴۰ به آمریکا رفت و در آن‌جا جایگاهش را در مقام شاعر، منتقد ادبی و مترجم تثبیت کرد. در نیویورک به همراه خورخه گین، لوئیس سِرِنودا، و پدرو سالیناس فعالیت‌های فرهنگی و ادبی‌اش را در انجمن اسپانیایی کالج میدلبری در ایالت ورمانت پی گرفت و به شهرت ادبی رسید. در ۱۹۴۴ به تدریس ادبیات آمریکای لاتین در کالج برنارد در نیویورک مشغول شد و تا بازنشستگی‌اش در ۱۹۶۹ همان‌جا ماند. شعر من (۱۹۴۷)، گفت‌وگو با پدرم (۱۹۴۹)، همصدای آخر (۱۹۵۰)، ادبیات اسپانیایی-آمریکایی

## سرود سید

این شعر یا سرود حماسی متعلق به گونه‌ای شعری است که در نیمه‌ی نخست قرن دوازدهم در اسپانیا و دیگر کشورهای اروپا بسیار فراگیر بود. شاعری ناشناس این شعر را در ۱۱۴۰، حدوداً چهل سال بعد از مرگ سید و بعد از سروده شدن سرود رولان، سرود.

ویژگی شعر حماسی اسپانیایی تشخیص تاریخی آن است، و سراینده به روایت کردن رخداد‌های واقعی علاقه‌مند است اما با بزرگ‌نمایی می‌کوشد مخاطب خود را تحت تأثیر قرار دهد. در این سرود، نویسنده داستان زندگی رودریگو دیاس دِ بیوار، معروف به میو سید<sup>۱</sup> (آقای من)، را روایت می‌کند: شوالیه‌ای کاستیلی که غضب فرمانروایش، آلفونسوی ششم، را برمی‌انگیزد و از کاستیا تبعید می‌شود. سه بخش (سرود) این شعر شرح ماجراهای سید است از زمان ترک بورگوس تا سال‌ها بعد و پیروزی‌های متعدّدش بر موروها و فتح والنسیا (بالنسیا) و نهایتاً بخشیده شدن از سوی فرمانروا. مرگ سید در ۱۰۹۹ در والنسیا رخ می‌دهد.

این شعر، گذشته از کشش ذاتی شاعرانه‌اش، قدیمی‌ترین نمونه‌ی مهم شعر اسپانیاست. این اثر ادبی بندهایی با تعداد ابیات متفاوت دارد و شامل ۳۷۳۵ بیت با قافیه‌های همصداست. سرود سید از سه وجه جالب توجه است: وجه روایی، که در آن شاعر وقایع تاریخی را نقل می‌کند؛ وجه نمایشی، که در آن ویژگی‌های روحی و روانی شخصیت‌ها در خلال گفت‌وگوها بروز می‌یابد (تکنیکی که نویسنده در آن کاملاً موفق بوده است)؛ و وجه شاعرانه، که در آن حالت غنایی ملایم و سنجیده‌ای متناسب با مناظر کاستیلی دیده می‌شود اما احساس سرشاری نیز برای بیان هیجان‌های جنگاوران به کار رفته است.

جذابیت دیگر این شعر این است که از سید تصویری متفاوت به دست می‌دهد. در دیگر اشعار و بالاد\*ها، یا آثاری مثل نمایش‌نامه‌ی لو سید اثر پیر کورنی (برگرفته از نمایش‌نامه‌ای<sup>۲</sup> از گین دِ کاسترو)، سید جنگاوری جوان است. اما سرود سید که تا اواخر قرن هجدهم ناشناخته بود تصویری کامل‌تر و موثق‌تر ارائه می‌دهد: مردی سن‌وسال‌دار و خانواده‌دوست و جنگاوری اشراف‌زاده و سخاوتمند که در جنگ با دشمنانش بسیار قاطع است.

در این منتخب از بخش اول شعر، که روایت تبعید رودریگو از کاستیل است، چهره‌ی انسانی سید با خشمی که آن را مهار کرده است تصویر می‌شود. دخترپچی<sup>۳</sup> نُه‌ساله‌ای که با او گفت‌وگو می‌کند شاید نخستین شخصیت مؤنث در ادبیات اسپانیا باشد. قرار گرفتن دختر خردسال در برابر هیئت جنگاوران و سلاح‌ها و اسب‌ها تضاد جالبی ایجاد کرده است.

۱. «سید» همان «سید» عربی است.

۲. منظور نمایش‌نامه‌ی جوانی‌های سید است.

سرود سید

سرود نخست

(گزیده)

پهلوان به سوی اقامتگاهش رفت؛  
به دروازه که رسید بسته‌اش یافت،  
از بیم پادشاه آلفونسو، آن را بسته بودند؛  
و آن را نمی‌گشودند مگر می‌شکستش.

مردانِ میو سید فریادهای بلند سردادند،  
افرادِ درون رغبتی به پاسخ نداشتند.  
میو سید مهمیز زد، و به دروازه رسید،  
پا از رکاب درآورد و به دروازه کوفت؛  
گشوده نشد زیرا محکم بسته شده بود.

دخترکی نُه‌ساله در برابرش ایستاد؛  
«ای پهلوان، چه خوش بستی شمشیرت را!  
شاه منع کرده، دیشب فرمان آمد،

## ***Cantar de Mío Cid***

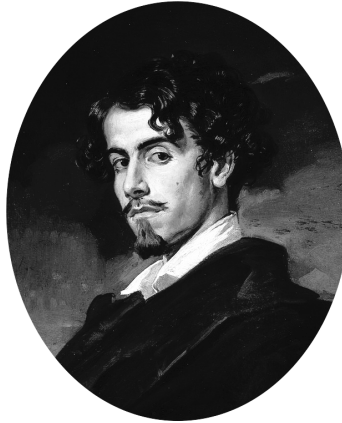
### **Cantar primero**

(fragmento)

El Campeador                    adeliñó a su posada;  
así como llegó a la puerta                    fallóla bien cerrada,  
por miedo del rey Alfonso,                    que así lo pararan;  
que si no la quebrantase                    no se la abriesen por nada.

Los del mío Cid                    a altas voces llaman,  
los de dentro                    no les querían tornar palabra.  
Aguijó mío Cid,                    a la puerta se llegaba,  
sacó el pie de la estribera,                    una ferida le daba;  
no se abre la puerta                    que era bien cerrada.

Una niña de nueve años                    a ojo se paraba;  
"Ya, Campeador,                    en buena hora ceñisteis espada!  
El Rey lo ha vedado,                    anoche de él entró su carta,



## گوستاوو آدولفو بَکِر (۱۸۳۶-۱۸۷۰)

در تاریخ شعر اسپانیا، گوستاوو آدولفو بَکِر به حساسیت و ظرافت طبع مشهور است. او که شاعری رمانتیک است، هم آخرین شاعر مطرح عصر است و هم پیشگام عصری نو. او به افراط‌هایی که در رمانتیسم وجود داشت، شعری صمیمی و ساده با امپرسیونیسمی لطیف افزود.

زندگی بَکِر کوتاه و سخت بود. در سویل به دنیا آمد. پدرش نقاش بود. خیلی زود یتیم شد و تحت تکفل مادر بزرگش قرار گرفت و به خوبی پرورش یافت. در هجده سالگی برای دنبال کردن حرفه‌ای ادبی به مادرید رفت اما در آنجا فقط به فقر و بیماری گرفتار شد. بعد از ازدواجی ناموفق، و نیز ماجرای عاشقانه و بی‌فرجام، در سی و چهار سالگی بر اثر بیماری سل درگذشت.

بَکِر از راه روزنامه‌نگاری زندگی می‌گذراند و مقاله‌هایی عالی با قلمی شیوا می‌نوشت. زمانی کوتاه پس از مرگش، دوستانش اشعار او را در کتابی با نام شعرها جمع و منتشر کردند. این مجموعه‌ی هشتادوشش شعری یگانه اثر او در قالب شعر است که محدودی وسیعی را دربرمی‌گیرد. شعرها با نخستین عشق

آغاز می‌شود و به واپسین اندوه و سرخوردگی خاتمه می‌یابد. رمزورازهای شعر، زندگی و مرگ نیز در این اشعار بیان شده‌اند. غیر از شعرها، پیکر مجموعه‌ای عالی از افسانه‌ها (روایت‌های منثور) دارد. او آثار دیگری نیز به نگارش درآورده است.

پیکر، مانند هاینریش هاینه در ادبیات آلمان، از رمانتیسیم فراتر رفت، و پیشرو شعر معاصر اسپانیا شد. اشعار او، با رگه‌هایی از سمبولیسم و کیفیت موسیقایی کم‌نظیر، تأثیری قطعی بر شاعران معاصرش از جمله روبن داریو و خوان رامون خیمینس نهاد. ناسازگاری جهان واقع با رؤیاها و خیال‌پردازی‌های پیکر سبب خلق اشعاری گاه خشن و گاه لطیف اما همواره سرشار از ناب‌ترین عناصر شعری شده است.

## شعر ۱

من سرودی باشکوه و شگرف را می‌شناسم  
که در شبِ جان‌خبر از سپیده‌دم می‌دهد،  
و این اوراق ترنم‌هایی از آن سرودند،  
ترنم‌هایی که باد در سایه‌ها می‌گسترده.

می‌خواهم آن سرود را بنویسم  
و زبان سرکش و قاصدِ بشری را رام کنم  
با واژه‌هایی که هم آه باشند و هم خنده،  
هم رنگ باشند و هم آوا.

اما بیهوده است،  
ظرفی نیست که این سرود را در خود بگنجاند.  
آه، زیبای من! دریغ که نمی‌توانم دست‌هایت را در دست بگیرم  
و در خلوت‌مان آن سرود را برایت بخوانم.



## Rima I

Yo sé un himno gigante y extraño  
que anuncia en la noche del alma una aurora,  
y estas páginas son de ese himno  
cadencias que el aire dilata en las sombras.

Yo quisiera escribirle, del hombre  
domando el rebelde, mezquino idioma,  
con palabras que fuesen a un tiempo  
suspiros y risas, colores y notas.

Pero en vano es luchar; que no hay cifra  
capaz de encerrarlo, y apenas ¡oh hermosa!  
si, teniendo en mis manos las tuyas,  
pudiera al oído contártelo a solas.



فدریکو گارسیا لورکا  
(۱۸۹۸-۱۹۳۶)

فدریکو گارسیا لورکا شاید شناخته‌شده‌ترین شاعر و نمایش‌نامه‌نویس اسپانیایی در ادبیات معاصر باشد. نمایش‌نامه‌های او در کشورهای بسیاری به اجرا درآمده، اشعارش ترجمه شده و نظریات مختلفی درباره‌ی آن‌ها بیان شده است. لورکا در ایالت گرانادا متولد شد و همان‌جا فلسفه و حقوق خواند. بعد از ۱۹۱۹ در مادرید اقامت گزید و سپس، از ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۰، به نیویورک و کوبا سفر کرد. بعد از آن به بوئنوس آیرس رفت و در آن‌جا نمایش‌نامه‌هایش را به صحنه برد که با استقبال زیاد مواجه شد. هنگام شروع جنگ داخلی اسپانیا، لورکا در گرانادا به سر می‌برد و در همان‌جا بود که به دست فالانژیست‌ها<sup>۱</sup> به شکلی تراژیک کشته شد. با مرگ او که از جنایات‌های بی‌دلیل آن جنگ بود، زندگی حیرت‌انگیزترین نابغه‌ی ادبی که در تاریخ اسپانیا نظیر نداشت پایان یافت. لورکا را بارها با لویه دِ پِگا مقایسه کرده‌اند. او، همچون لویه، به اشعار محلی و عامیانه علاقه‌ای خاص داشت و این علاقه در اولین آثار مهمش، ترانه‌ها (۱۹۲۷) و بالاد\*های کولی (۱۹۲۸)، نمایان است. او با این دو اثر به جمع شاعران

تراز اول پیوست. بالادهای کولی، که از بهترین مجموعه‌های منتشرشده‌ی شعر در اسپانیاست، برداشتی است هنرمندانه از مضامین اندلسی، و کششی دراماتیک و حالتی معماگونه دارد که هیچ مجموعه بالادی تا آن زمان نداشته است. اشعار او پرداختی سنتی دارند اما کاربرد استعاره در آن‌ها مدرن است و زبان‌شان شاعرانه و اصیل و زیبا.

کشش و حالت معماگونه‌ی آثار لورکا در شعری که آورده‌ایم کاملاً مشهود است. بالاد «ترانه‌ی ماه، ماه» خرافه‌ی قدیمی تأثیر شوم نور ماه بدر را به تصویر می‌کشد. این تأثیر باعث می‌شود کودکی تنها در دکان آهنگری، در غیاب خانواده‌اش، جان بسپارد.

استعداد لورکا در درام‌پردازی به بهترین شکل در نمایش‌نامه‌هایش مشهود است. فولکلور، شعر، رمز و معما، و سنت در نمایش‌نامه‌های او طوری به هم می‌آمیزند که بیش‌ترین تأثیر را می‌گذارند. از طرف دیگر، لورکا در کتاب شعرش، شاعر در نیویورک، برداشتی نسبتاً سوررئالیستی از زندگی و انسان‌ها، یا همان واقعیت شهر دارد. این اثر به سبب نگاهی که به روح بشر در عرصه‌ی تمدن امروزی می‌افکند، با شعر آوانگارد دهه‌ی ۱۹۳۰ پیوندی نزدیک دارد.

۱. طرفداران حزبی فاشیستی در اسپانیا به نام «حزب فالانژ اسپانیا» (در زبان اسپانیایی: فالانجه اسپانیولا / Falange Española).

## ترانه‌ی ماه، ماه، ماه

ماه به آهنگری آمد  
با دامنی از سنبل.  
پسرک ماه را می‌نگرد و می‌نگرد.  
در او خیره مانده است.  
در بادی غوغاگر و پریشان  
ماه دست‌هایش را تکان می‌دهد  
و هوس‌انگیز و عفیف  
سینه‌ی سفتِ نقره‌گونش را  
عیان می‌سازد.  
بگریز ای ماه، ماه، ماه.  
اگر کولی‌ها سر برسند

## Romance de la luna, luna

La luna vino a la fragua  
con su polisón de nardos.  
El niño la mira mira.  
El niño la está mirando.  
En el aire conmovido  
mueve la luna sus brazos  
y enseña, lúbrica y pura,  
sus senos de duro estaño.  
Huye luna, luna, luna.  
Si vinieran los gitanos,

## اصطلاح نامه

این بخش شامل شرح مختصر اصطلاحاتی است که در متن کتاب با علامت \* مشخص شده‌اند.

### اوکتاوا رئال **octava real**

نوعی قالب شعری در اسپانیا با بندهای هشت مصرعی یازده‌هجایی که از قالب ایتالیایی اوتاوا ریما گرفته شده است.

### باروک **Baroque**

سبکی در هنر و معماری اروپا که در اواخر قرن شانزدهم در ایتالیا به وجود آمد.

### بالاد **ballad**

نوعی شعر روایی نسبتاً کوتاه و ساده در مصرع‌های هشت‌هجایی با قافیه‌های همصدا که در قرن‌های یازدهم و دوازدهم در اروپا پا گرفت و در قرن‌های شانزدهم و هفدهم به اوج شکوفایی رسید. بالاد و رمانس در این کتاب مترادف یکدیگر آمده‌اند.

**Préciosité** **پرسیوسیتیه**  
جنبشی فرهنگی و اجتماعی در فرانسه‌ی قرن هفدهم در واکنش به سبک زندگی اشراف دربارِ لوئی چهاردهم. این جنبش در ادبیات با نثری سرشار از ظرافت‌های ادبی و بازی با کلمات نمود یافت.

**Goliardic Latin meter** **ترانه‌های گولیاردیک**  
اشعار لاتینی منسوب به گولیاردها، کشیشان دوره‌گردی که از کسوت روحانیت خلع شده بودند و در انگلستان و فرانسه و آلمان قرن‌های دوازدهم و سیزدهم در وصف عیش و عشرت و در هجو کلیسا شعر می‌سرودند و با خنیاگری گذران می‌کردند.

**jarcha** **خارچا**  
ترانه‌های کوتاه عامیانه‌ای در اسپانیا که معمولاً حاوی لغات عبری یا عربی بودند.

**Picaresque novel** **رمان پیکارسک**  
نوعی داستان هجوآمیز که در قرن شانزدهم در اسپانیا پدید آمد و قهرمانش شخص عیّار یا ولگردی بود که معمولاً طبعی شوخ داشت.

**romance** **رمانس**  
ن.ک. **بالاد**

**romancero** **رمانسرو**  
مجموعه‌ای از بالادها یا رمانس‌ها.

**romancillo** **رمانسیو**  
بالاد کوچک یا کوتاهی در مصرع‌های هفت، شش یا پنج‌هجایی با قافیه‌های همصدا.

## نام‌نامه

این بخش، فهرست الفبایی نام‌هایی است که در متن کتاب آمده است (اعم از نام افراد، آثار، مکان‌ها و غیره). ضبط اصلی نام‌ها و شماره‌ی صفحه‌های مربوط به آن‌ها را در برابر ضبط فارسی می‌بینید.

آرتور: شاه افسانه‌ای بریتانیا ۳۹	King Arthur
آرژانتین ۱۸۱	Argentina
آسورین (= خوسه مارتینس روئیس) ۱۱۴	Azorín
آکسفرد: دانشگاه ۱۵۰	Oxford
آلبرتی، رافائل (۱۹۰۳-۱۹۹۹): شاعر اسپانیایی ۶، ۱۴۴، ۱۷۰، ۱۸۰، ۱۸۱	Alberti, Rafael
آلفونسوی ششم (۱۰۴۰-۱۱۰۹): شاه کاستیل و لئون ۸، ۱۰	Alfonso VI
آلکالا دِ انارس: شهری در اسپانیا ۴۰، ۶۰، ۸۷، ۹۲	Alcalá de Henares
آلکساندره، بیسینته (۱۹۰۰-۱۹۸۴): شاعر اسپانیایی ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۴	Aleixandre, Vicente
آلونسو، داماسو (۱۸۹۸-۱۹۹۰): شاعر اسپانیایی ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۴، ۱۸۰	Alonso, Damaso



آمریکا ۶، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۸۶	America
آمریکای لاتین ۱۸۱	Latin America
«آنجا که نسیان خانه دارد»: سروده‌ی لوئیس برونودا ۱۸۸	"Donde habite el olvido" (Where Oblivion Dwells)
آندرادا، آندرس فرناندیس د (۱۵۷۵-۱۶۴۸): شاعر اسپانیایی ۶	Andrada, Andrés Fernández de
آوازه‌های غمگین: سروده‌ی خوان رامون خیمینس ۱۳۳	<i>Arias Tristes (Sad Songs)</i>
آگوستینیان: فرقه‌ی مذهبی ۶۰	Augustinians
آویلا: ایالتی در اسپانیا ۶۸	Ávila
آوینوس، روفیوس فستوس (قرن چهارم): شاعر رومی ۱۸۱	Avienus, Rufius Festus
آبراج برمیخاس: بنای تاریخی در گرانادا ۴۴	Torres Bermejas
«ابن عمار»: سروده‌ی سراینده‌ی ناشناس ۴۰، ۴۲، ۴۴	"Abenámbar"
ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق م): فیلسوف یونانی ۲۲	Aristotle
ارناندیس، میگل (۱۹۱۰-۱۹۴۲): شاعر اسپانیایی ۱۹۲	Hernández, Miguel
از فوئرتوتورتورا تا پاریس: سروده‌ی میگل د اونامونو ۱۲۱	<i>De Fuerteventura a París</i> (From Fuerteventura to París)
اسپرونیدا، خوسه د (۱۸۰۸-۱۸۴۲): شاعر اسپانیایی ۵، ۶، ۱۰۰، ۱۰۱	Espronceda, José de
اسکات، سیر والتر (۱۷۷۰-۱۸۳۲): نویسنده‌ی اسکاتلندی ۳۸	Scott, Sir Walter
اشبیلیه ن.ک. سویل	
اشعار: سروده‌ی میگل د اونامونو ۱۲۱	<i>Poesías (Poems)</i>
اشعار انسانی: سروده‌ی لویه د پگا ۸۷	<i>Rimas humanas (Human Poems)</i>
اشعار جادویی و غمزده: سروده‌ی خوان رامون خیمینس ۱۳۳	<i>Poemas mágicos y dolientes</i> (Magic and Doleful Poems)